



اصالت سنجی

مقاله مروری

خلاصه انگلیسی این مقاله با عنوان:
The evolution of Amos Rapoport's
thought in the field of culture and
behavior-environment studies
در همین شماره به چاپ رسیده است.

شهرسازی ایران، دوره ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صفحه ۲۹-۴۱
تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۳۱، تاریخ بررسی اولیه: ۹۹/۵/۱۶، تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۲، تاریخ انتشار:
۱۴۰۰/۶/۱۳

سیر تکوینی اندیشه امس راپاپورت در حوزه فرهنگ و مطالعات رفتار-محیط

پروین پرتوی

استاد شهرسازی گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران

کبریا صداقت رستمی*

دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

چکیده: راپاپورت از جمله فرهنگ‌گرایانی است که پژوهش‌های وسیعی در زمینه فرهنگ در حوزه معماری و مطالعات شهری انجام داده و بخش زیادی از عمر پژوهشی خود را به مطالعات رفتار-محیط اختصاص داده است. لذا بررسی سیر تحول اندیشه‌های وی در این عرصه بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی خط فکری راپاپورت در زمینه فرهنگ و مطالعات رفتار-محیط به ویژه در دو دهه‌ی اخیر و شناسایی تازه‌ترین نظریات وی می‌باشد. این پژوهش از نوع مروری توصیفی دانست که طی آن از روش اسنادی و مطالعه مقالات و کتب معتبر بهره گرفته شده است. نتیجه آن که، راپاپورت با حرکت از پارادایم هنری در معماری به سمت پارادایم علمی در حوزه مطالعات فرهنگی در معماری و شهرسازی به دستاوردهای مهمی به ویژه در زمینه‌ی مطالعات رفتار-محیط دست یافته است. وی در دو دهه‌ی اخیر به دنبال بسط نظریه‌ای علمی بوده که بتواند به عملیاتی ساختن مقوله‌ی فرهنگ یاری رساند. از دید راپاپورت، همه‌ی پژوهش‌های وی گام‌های مقدماتی برای دستیابی او به نظریه توصیفی بوده است که این امر نشان‌گر پیوستگی و تداوم در روند مطالعات راپاپورت می‌باشد؛ گویی هر قطعه به قطعه‌های قبلی افزوده می‌شود. با وجود برخی نقدها به رویکرد مطالعات رفتار-محیط راپاپورت می‌توان گفت این رویکرد هنوز پیشرفت اصلی در زمینه طراحی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مطالعات رفتار-محیط، نظریه توصیفی، راپاپورت

*kebria.sedaghat@gmail.com

۱- مقدمه

زیاد نظریات راپاپورت در حوزه مطالعات رفتار-محیط، بررسی سیر تحول اندیشه‌های وی با استناد به منابع معتبر و مطالعات خود او ضروری به نظر می‌رسد؛ این امر مبنای پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. در این مقاله، سیر پیشرفت دیدگاه راپاپورت در زمینه مطالعات رفتار-محیط مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، بحث «مدل انتخابی طراحی» که راپاپورت در سال ۱۹۷۷ و در آغاز پژوهش خود در زمینه مطالعات رفتار-محیط به آن پرداخته و «رویکرد ارتباط غیرکلامی» که در سال ۱۹۸۲ ارائه نموده است در ابتدا مطرح می‌گردد. سپس

به طور کلی، بستر مطالعات رفتار-محیط در اواخر دهه ۱۹۶۰ به عنوان یکی از تحولات مفهومی دانش در واکنش به شکست مدرنیسم در پرداختن به بحران‌های معاصر ظهور یافت و از دهه ۱۹۷۰ به بعد شکوفا گردید (Salama, 2012, p.15). راپاپورت یکی از بنیان‌گذاران رشته مطالعات رفتار محسوب می‌شود. وی به همه مباحث از منظر مطالعات رفتار-محیط می‌نگرد. توجه به فاکتور فرهنگ، مطالعات تاریخی و میان-فرهنگی از علاقمندی‌های اوست. با توجه به تأثیرگذاری

مقاله با آن بخش از نظریاتی که راپاپورت در دو دهه اخیر به مطالعات رفتار-محیط افزوده است- شامل نظریه توصیفی (۲۰۰۰) و اصل دشواری (۲۰۰۸)- ادامه می‌یابد و در انتها با جمع‌بندی تلاش‌های راپاپورت در حوزه مطالعات رفتار-محیط، دوره‌های مختلف عمر پژوهشی‌اش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مروری است لذا از روش تحقیق تفصیلی بهره گرفته است. بدین صورت که کلیه منابع معتبر در زمینه اندیشه‌های راپاپورت اعم از کتاب‌ها و مقالات شخص راپاپورت و سایر نویسندگان مورد مطالعه قرار گرفته و در انتها به جمع‌بندی دیدگاه‌های وی پرداخته شده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- راپاپورت و مطالعات رفتار-محیط

راپاپورت با طرح موضوع کنش متقابل انسان و محیط به نفی موقعیت انفعالی انسان در فضای شهری پرداخته (Quoted in Rasoulpour et al., 2020) و معتقد است محیط بر مردم تأثیر اساسی می‌گذارد که به واسطه‌ی آن مردم برخی محیط‌ها را انتخاب می‌کنند و برخی را رد می‌نمایند. وی چهار مفهوم مکمل از محیط ارائه می‌کند که کاربرد آن‌ها با توجه به موضوع مورد مطالعه متفاوت می‌باشد:

≠ سازمانی از فضا، زمان، معنا و ارتباط؛

≠ سیستمی از زمینه‌ها که در آن سیستم‌های فعالیت‌ها (از جمله جوانب پنهان آن‌ها) اتفاق می‌افتد؛

≠ منظر فرهنگی؛

≠ ترکیب عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت (Rapoport, 2000a, p. 147; Rapoport, 2006A, p.421; Rapoport, 2003, p. 40)

این تعاریف از پیچیده‌ترین تا ساده‌ترین رتبه‌بندی شده‌اند؛ زیرا اولی نیازمند تجربه بسیار بیشتری است و انتزاعی‌ترین است که با سیستم‌هایی از زمینه‌ها و منظر فرهنگی دنبال می‌شود و عنصر ثابت (شامل توپوگرافی،

ژئومورفولوژی و اقلیم و...)، نیمه‌ثابت (شامل گیاهان، آب و هوا و حرکت هوا و...) و غیرثابت (شامل حیوانات و صدای آن‌ها، رایحه و شرایط ابری و...) قطعی‌ترین است. هنگامی که همه‌ی این ویژگی‌ها با فعالیت‌های انسانی تغییر می‌یابد، منظر فرهنگی خلق می‌شود (Rapoport, 2000a, p. 147; Rapoport, 2008c, p. 50). راپاپورت تلاش می‌کند نقش فرهنگ

را از طریق مثال‌هایی غالباً به شکل مقایسه‌های میان-فرهنگی که تفاوت‌های میان محیط‌ها را نمایش می‌دهند نشان دهد. وی در پاسخ به سؤال قابلیت تعمیم مطالعات محیط-رفتار انجام گرفته در کشورهای غربی به سایر فرهنگ‌ها می‌گوید در این رابطه، مطالعات تطبیقی از طریق تکرار یافته‌ها، روش‌ها و برنامه‌های کاربردی، نقش مهمی در مطالعه و ارائه پاسخی به این پرسش خواهند داشت (Rapoport, 2008a, p. 31). وی معتقد است تنوع فرهنگی می‌تواند توسط طبیعت پایدار انسان کنترل شود و این امر به ساده‌سازی مسئله‌ی روابط فرهنگ-محیط یاری می‌رساند (Rapoport, 2010, p. 6).

راپاپورت می‌گوید به طور کلی، عناصر در مقیاس کوچک‌تر ثابت‌تر هستند (Rapoport, 2002, pp. 145-147) و محله‌ها محدوددهایی هستند که با سرعت تحول کمتر، سازگاری خوبی با رفتار انسانی، سیستم‌های فعالیت و نظایر آن فراهم می‌کنند و در نتیجه متناسب با فرهنگ بیشتر تغییر می‌کنند (Rapoport, 2008a, pp. 22-23). این نظر راپاپورت منجر به انتقاداتی به وی شد که با این توجیه، تأثیر فرهنگ بر سایر زمینه‌های فعالیت را کم‌رنگ می‌دید. راپاپورت با پذیرش احتمال وجود نقص در برخی نظرات خود بیان می‌کند که «انجام تحقیق بر روی نقش فرهنگ در طیف گسترده‌ای از محیط‌ها، مانند محیط‌های غیرمسکونی، با ارزش به نظر می‌رسد. من اعلام کرده‌ام که در مورد دانشگاه‌ها، فرودگاه‌ها، آزمایشگاه‌های علمی، ساختمان‌های اداری، زمین‌های

۴- از آنجایی که یک کارکرد مهم نظریه، ایجاد وحدت و به هم پیوستگی است، وحدت مفهومی، به هم پیوستگی، توسعه مفهومی و عمومی سازی (تعمیم) نیز لازم است آغاز شوند (Rapoport, 2008c, p. 33).

۳-۲- مدل انتخابی طراحی:

از نظر راپاپورت، کار طراحان، فراهم کردن محیط‌هایی است که به مردم در ساخت محیط‌های مناسب در ذهنشان یاری می‌رساند. محیط‌هایی که آن‌ها به آن تمایل دارند و منطبق بر تصاویر و آرمان‌های آن‌ها است. تنها چنین محیط‌هایی حامی سبک زندگی مردم و فعالیت‌هایشان است. به عبارت دیگر، کار طراح این است که رابطه میان محیط عینی و ذهنی را هرچه بیشتر مؤثر و قابل پیش‌بینی کند (Rapoport, 2006A). در این رابطه، راپاپورت مدتی بر این عقیده بود که «زیبایی‌شناسی» در طراحی محیطی مفید نیست و باید به عنوان جنبه‌ی ادراکی و وابسته‌ی کیفیت محیطی دیده شود، ولی سپس تغییر عقیده داد و به این نتیجه رسید که مطالعات علمی زیبایی‌شناسی در جریان است (Rapoport, 2010, p. 12). از دید او، اولین و مهم‌ترین گام در طراحی محیطی تعیین کارهایی است که نیاز است انجام شود (بر مبنای شناسایی مشکلات (Rapoport, 2010, pp. 25-30). به علاوه، طراحی متناسب با زمینه نیازمند پژوهش دانش‌بنیان در مورد چگونگی تعامل انسان با محیط، ویژگی‌های اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی مردمی که باید انواع زمینه‌ها را شکل دهند، تأثیر محیط‌ها بر مردم، و مکانیسم‌های پیونددهنده‌ی مردم و محیط‌ها می‌باشد (Rapoport, 1983, p. 1). در این میان، زمینه فرهنگی اغلب دانش مورد نیاز برای ارتباط

ورزشی و استادیوم‌ها و... نقش فرهنگ ممکن است حداقل یا حتی ناچیز باشد. این فرضیه ممکن است اشتباه باشد و در نتیجه، به شدت به تحقیقات و شواهد نیاز است» (Rapoport, 2008a, pp. 20-21).

در انتهای این بخش، به انتقاداتی که راپاپورت به مطالعات رفتار-محیط وارد می‌کند اشاره می‌گردد:

الف) عدم پیشرفت مطالعات: به دلیل قابل درک نبودن موضوعات پژوهش‌های مطالعات رفتار-محیط برای طراحان (Rapoport, 2008b, p. 277; Rapoport, 2010, p. 31)

ب) عدم توجه به رشته‌های جدید: به دلیل کمبود دانش درباره‌ی توسعه‌ها در علم (مثل شبیه‌سازی کامپیوتری و مدل‌سازی عامل‌مبنا، طراحی صحنه، فیلم و تلویزیون، طراحان لباس و نورپردازی) و انتزاعی و تجربیدی بودن این توسعه‌های مرتبط جدید (Rapoport, 2008a, pp. 3&25-26; Rapoport, 2010, p. 6; Rapoport, 2008b, p. 278; Rapoport, 2010, p. 25)

ج) غفلت از توسعه‌ی نظریه: به دلیل غفلت از نظریه‌ی علمی توصیفی^۱؛ کمبود دانش درباره‌ی ادبیات وسیع در ارتباط با ماهیت نظریه، اهمیت و توسعه‌ی آن؛ غفلت از توافق درباره‌ی معنای مفاهیم و اصطلاحات؛ و تأکید بر کارهای تجربی (Rapoport, 2008c, p. 34; Rapoport, 2008b, p. 277).
رفع مشکل آخر نظریه‌ای ارائه کرده که در بخش دیگری از مقاله حاضر به آن پرداخته می‌شود. از دید وی، چهار جنبه‌ی مهم برای مطالعات رفتار-محیط وجود دارد:

۱- باید به صورت یک رشته‌ی علمی به آن نگاه شود که میان‌رشته‌ای است.

۲- طراحی شامل به کارگیری آخرین و بهترین یافته‌های تحقیقاتی است.

۳- برای تبدیل شدن به یک رشته، مطالعات رفتار-محیط باید بر ساخت نظریه‌ی توصیفی تمرکز نمایند.

^۱ Explanatory Scientific Theory

(Rapoport, 2008a, p. 31) با هدف تعریف اهداف و معیارهایی برای انتخاب از میان گزینه‌های موجود در طراحی (Rapoport, 1983, p. 250). راپاپورت معتقد است به کارگیری معیارهای انتخاب تابع قواعد است و استفاده‌ی ثابت از قواعد نشان‌گر وجود طرح-واره‌ها یا مدل‌های مشترک می‌باشد (Rapoport, 2006b, p. 192). به اعتقاد راپاپورت، شهرساز و مردم لزوماً دارای تصور مشابهی از کیفیت محیطی نیستند و شواهدی وجود دارد که ارزش‌ها، سبک زندگی و ترجیحات معماران با غالب کاربران فرق دارد. همچنین، گروه‌های مختلف زیادی از کاربران (با ارزش‌ها و ترجیحات افراد) نیز وجود دارند و در نتیجه، تنوع وسیعی از انواع مختلف محیط‌ها لازم است طراحی شود (Talebi; 2004، ص. ۱۶؛ Rapoport, 1987, p. 13). یکی دیگر از زمینه‌هایی که تفاوت‌های فرهنگی مؤثر است، سازمان‌دهی زمان و ریتم فعالیت‌های انسان است: تعداد وقایع در هر واحد زمانی و توزیع فعالیت‌ها در طول زمان (روز و شب، طول هفته و آخر هفته و غیره). تفاوت‌های فرهنگی و مشکلات ناشی از کشمکش‌های فرهنگی غالباً به لحاظ زمانی جدی‌تر از سطح فضایی می‌باشند (Rapoport, 1982, pp. 162-164). لذا به وضوح لازم نیاز است که معیار انتخاب از بین گزینه‌های در نظر گرفته شده به صورتی بین فرهنگی مطالعه شود زیرا هم گزینه‌های در نظر گرفته شده و هم معیارهای استفاده شده از نظر بین-فرهنگی متفاوتند (Rapoport, 2008a, p.31).

راپاپورت در راستای دستیابی به تناسب بین سبک زندگی و محیط ساخته‌شده اصول کلی را به شرح زیر پیشنهاد کرده است: ۱- شناسایی ویژگی‌های گروه (سبک زندگی، قواعد رفتاری، ترجیحات محیطی، تصاویر، طرح‌واره‌های شناختی، طبقه‌بندی‌های فضا و زمان و غیره)؛ ۲- شناسایی حالت‌های احساسی مختلف؛ ۳- درک معنای محیطی و روش‌های اصولی ایجاد

با جنبه‌های ادراکی و تداعی‌کننده فراهم می‌کند (Rapoport, 2013, p.87). به عقیده راپاپورت، زمینه را می‌توان به لحاظ سه پرسش اساسی درک نمود:

الف) چه ویژگی‌های بیولوژیکی-اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی انسان‌ها (به صورت فردی یا گروهی) بر چه ویژگی‌هایی از محیط ساخته‌شده اثر می‌گذارند یا در طراحی باید تحت تأثیر قرار گیرد؟
 ب) چه تأثیراتی چه جنبه‌هایی از چه محیط‌هایی بر چه گروه‌هایی از افراد، تحت چه شرایطی (برای مثال در چه زمینه‌هایی)، کی، چرا و چگونه دارند؟ (توجه شود که این تأثیرات می‌توانند مستقیم یا غیرمستقیم باشند)؛
 ج) با توجه به این تعامل دوسویه بین مردم و محیط‌ها، باید سازوکارهایی جهت پیوند آن‌ها وجود داشته باشند؛ این سازوکارها کدامند؟ (Rapoport, 2005, pp. 12-14; Rapoport, 2002, p. 145; Rapoport, 2000a, p. 146; Rapoport, 1999, p. 53)

در این‌جا، راپاپورت سه عنصر ذهن (ایده‌آل‌ها و طرح‌واره‌ها)، فرهنگ (ارزش‌ها، عقاید و ایده‌آل‌ها (Rapoport, 1987, p. 10) / جامعه (گروه‌ها (Rapoport, 2008a))، و زمین را در ایجاد وحدت در مطالعات رفتار-محیط مؤثر می‌داند. ارتباط بین ذهن و فرهنگ زمانی پررنگ‌تر می‌شود که به این نکته توجه گردد که ذهن در انزوا رشد نمی‌یابد و در دل گروهی از انسان‌ها می‌تواند توسعه یابد؛ این گروه‌ها توسط فرهنگ تعریف می‌شوند (Rapoport, 2008c, pp. 35-45).

از دیدگاه راپاپورت، در ایجاد منظر فرهنگی، بسیاری از مردم در طول دوره‌های زمانی طولانی تصمیم‌گیری می‌کنند و از میان گزینه‌ها به انتخاب می‌پردازند (Rapoport, 1993). این همان چیزی است که راپاپورت «مدل انتخابی طراحی» می‌نامد. این روش مفیدترین شیوه برای مفهوم‌سازی طراحی است

مقیاس، مصالح، سازماندهی محیطی و... بیان می-گردد (Rapoport, 2008a, p. 27). از این رو، سازماندهی محیط مصنوع، سازماندهی معنی است (Banhashemi; ۲۰۱۸). از نظر راپاپورت، معنی یک مکان بیشتر به کاربران مربوط است و این که چگونه از فضا استفاده می-کنند تا این که به مکان و مؤلفه‌های عناصر مرتبط با آن مربوط باشد لذا می-توان گفت که دیدگاه راپاپورت معنی را بر مبنای کاربر و به عنوان یک موضوع پویا در نظر می-گیرد. از این رو، معنی محیط می-تواند در طول زمان و به وسیله تغییرات مؤلفه‌هایش تغییر کند (Kamrani & Behzadfar, 2016, pp. 84&88).

راپاپورت می-گوید اطلاعات در محیط گداهایی دارند و لازم است گزدایی شوند. سپس افراد باید بتوانند به وضوح گداه را بفهمند و اگر گداه درک نشوند، فرد نمی-تواند با محیط تعامل برقرار نماید. از دید وی، سه روش پایه‌ای برای درک معنا وجود دارد: استفاده از الگوهای زبانی؛ مطالعه نمادهایی که یک رویکرد سنتی هستند؛ و استفاده از الگوهای رویکرد غیرکلامی که از انسان‌شناسی، اخلاق و روان‌شناسی نشأت می-گیرد. مدل ارتباط غیرکلامی را راپاپورت برای پرداختن به این که کدام یک از نشانه‌های محیطی و اجتماعی، ماهیت زمینه را مشخص می-کنند تا رفتارهای مناسب حاصل شوند، معرفی می-نماید. مزایای استفاده از این مدل خاص این است که در این مدل به لحاظ مفهومی درک سیستمی از توضیح رفتارها آسان است. این رویکرد به پژوهشگران کمک می-کند اطلاعاتی درباره‌ی انسان‌ها در ارتباط با محیط جمع‌آوری نمایند و منجر به افزایش آگاهی طراحان از طرح‌هایی متناسب با ادراکات جمعی ساکنان گردد. این رویکرد برای سایر فرهنگ‌ها نیز قابلیت تعمیم دارد. راپاپورت می-گوید در مورد رفتار غیرکلامی نیز زمینه مهم به نظر می-رسد.

هویت اجتماعی؛ ۴- درک ماهیت سیستم‌های فعالیت و جوانب پنهان آن‌ها، توزیع آن‌ها در فضا و زمان، و چگونگی ارتباط آن‌ها با محدوده؛ ۵- بررسی روابط و شبکه‌های اجتماعی و ارتباط آن‌ها با سازماندهی محیط، میزان تعاملات و زمینه‌ها (Rapoport, 1980, p. 32).

راپاپورت تأکید می-کند این مدل در طول چند سال توسعه یافته و توسط برخی مطالعات علوم اعصاب شناختی که درباره چگونگی تصمیم‌گیری مغز مطالعه می-کنند و مطالعات تصمیم‌گیری (و حل مسئله) مورد حمایت قرار گرفته است (Rapoport, 2008a, p. 31; Rapoport, 2010, pp. 23-25) ایجاد منظر فرهنگی و طراحی حرفه‌ای کنونی نیز کاربرد دارد (Rapoport, 2008c, p. 52). وی اشاره می-کند که پذیرش دیدگاه من در مورد طراحی دو نتیجه دارد: اول این که طراحی می-تواند برای تصمیم‌سازی و به کارگیری قواعد برای حذف گزینه‌ها بر مبنای علوم شناختی آموزش داده شود. دوم این که، بار دیگر (پس از سال ۱۹۶۰) پیشنهاد می-شود که مطالعات رفتار-محیط و تحقیقات روش‌های طراحی^۱ می-توانند با هم تلفیق گردند (Rapoport, 2005; Rapoport, 2010, p. 25).

۳-۳- مدل ارتباط غیرکلامی:

راپاپورت احساس می-کند که مردم پیش از این که محیط را در مدت زمان مشخصی تحلیل و ارزیابی نمایند، نسبت به آن به صورت جهانی و احساسی واکنش نشان می-دهند و این پاسخ‌ها بر اساس معنایی است که محیط‌ها برای افراد دارند (Taylor, 1983, p. 95). به گفته راپاپورت، معنی، انتزاعی‌ترین (پنهان‌ترین) جنبه‌ی فعالیت است (Rapoport, 2005, p. 48) و در معماری شهرها، پیام‌های نهفته‌ای وجود دارد که از طریق

^۱ Design Method (DM)

نشانه‌های محیطی به عنوان راهنمایی برای رفتار فردی در بستر اجتماعی عمل می‌کنند و فرهنگ به عنوان عادت رفتاری کمک می‌کند که چه رفتارهایی به کار بریم (Taylor, Rapoport; 2013, pp.85&96; 1983, pp. 96-97).

۳-۴- نظریه توصیفی

راپاپورت از جمله اقلیتی است که علاقمند به تأسیس یک رشته علمی از روابط رفتار- محیط بودند. این افراد علاقمند به درک جهان (و نه تغییر آن) از طریق پژوهش پایه‌ای با هدف درک این حوزه خاص بودند. این گروه بدون این که الزاماً علاقمند به خود طراحی و کاربرد تحقیق^۱ باشند، معتقد بودند که مطالعات رفتار- محیط بدون دانش و مهم‌تر از آن بدون نظریه توصیفی ارتقا نمی‌یابند (Rapoport, 2008b, p. 277). البته راپاپورت در سال ۱۹۹۲ اعلام کرد تلاش نمی‌کند یک تئوری را توسعه دهد بلکه سعی دارد اصول راهنما را ترویج دهد (1992, p. 101, ...). ولی پس از وارد شدن انتقاداتی به وی مبنی بر این که چارچوب‌های نظری مطرح شده توسط او، تجزیه و تحلیل ایدئولوژی را شامل نمی‌شوند (Hsia, 1988, p. 308)، وی در نهایت به سمت ارائه‌ی یک نظریه علمی تغییر جهت داد و در سال ۲۰۰۰، رویکردی علمی برای روابط رفتار- محیط^۲ پیشنهاد می‌کند و اعلام نمود که مطالعات رفتار - محیط باید به عنوان علم روابط رفتار - محیط و به عنوان علمی محض^۳ (یا بنیادی) دیده شود که با پژوهش کاربردی متمایز است (Rapoport, 2000b, p. 107).

به عقیده‌ی راپاپورت، چهار دلیل عمده که بیان‌گر اهمیت و مزیت نظریه هستند عبارتند از: ۱- به روشن کردن روابط بین داده‌ها و هم‌چنین این که داده‌ها چه

معنا و منظوری دارند کمک می‌نماید؛ ۲- منجر به فشرده‌سازی داده‌ها می‌گردد؛ ۳- بر سیل عظیم داده‌ها غلبه می‌کند؛ ۴- پیچیدگی‌ها را کاهش می‌دهد (Rapoport, 2010, pp. 7-8). وی اشاره نمود که مطالعات رفتار- محیط دارای ضعف مفهومی (فقدان پایه‌ی فلسفی، تعاریف روشن، توافق بر سر اصطلاحات و مفاهیم، تعمیم، و توسعه‌ی چارچوب‌های مفهومی (چه رسد به نظریه)) و ضعف در دسترسی کافی به اطلاعات است. لذا در راستای حل این مشکلات، قدم اول ایجاد یک پایگاه داده‌ی کامل از کارهای انجام شده در همه‌ی کشورها است. برای این که چنین پایگاه داده- ای مفید باشد، لازم است قابل اعتماد باشد که شامل ارزیابی، هماهنگ‌سازی و ایجاد پیوندها می‌گردد (Rapoport, 2008b, p. 279). این جاست که توسعه‌ی نظریه به کار می‌آید. توسعه‌ی نظریه با دسته- بندی و نظم‌بخشی به نتایج پژوهش‌های جدید و قدیمی آغاز می‌شود. سپس به آن‌ها ساختار می‌دهد، کیفیت آن‌ها را ارزیابی می‌کند و آن‌ها را نیز ترکیب می‌نماید. نقش مهم نظریه این است که داده‌های زیادی را در قالب‌هایی که به راحتی به خاطر سپرده می‌شوند رده‌بندی می‌نماید. نظریه‌ی توصیفی به ما در درک جهان یاری می‌رساند. این نظریه هنجاری نیست ولی تلاش می‌کند الگوها، روابط و اشکال تعامل بین محیط و رفتار و همین‌طور ساز و کارهای آن‌ها را درک کند و توضیح دهد (Rapoport, 2000a, pp. 145-146). علم روابط رفتار- محیط بستری وسیع‌تر از نظریه‌ی توصیفی دارد. انگاره‌ی فرآنظریه‌ای تئوری توصیفی مطالعات رفتار- محیط مستقیماً از تعریف یک انگاشت معرفت‌شناختی آغاز می‌گردد و آن این‌که: این علم تنها راه قابل اعتماد برای کسب دانش را فراهم می‌نماید. به عقیده راپاپورت، از زمانی که نظریه‌ی توصیفی

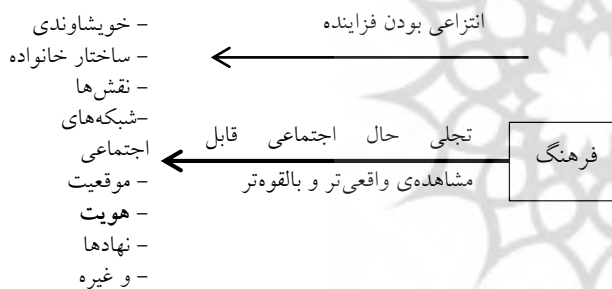
^۳ pure

^۱ Research application

^۲ Environment-Behavior Relations (EBR)

توسط اجزاء و عبارات تجزیه شده آن توضیح داده می-شود، یک هسته (با تغییر کم و آرام یا عدم تغییر) دارد و یک پیرامون (تغییر سریع، راحت و حتی مشتاقانه)؛ به طوری که در هر مورد خاص، بر مبنای زمینه، مقیاس، گروه و نوع بستر و نظایر آن عناصر مختلفی اهمیت می‌یابند (Rapoport, 2008a, p. 18-24).

راپاپورت معتقد است دو مسئله اصلی که فرهنگ با آن‌ها روبروست عبارتند از: گستردگی بیش از حد و انتزاع مفرط آن. لذا نیاز به توضیح و شفاف‌سازی بیشتری است (Heidari et al., 2014, p. 64). این دو مسیر متفاوت هستند ولی مکمل یکدیگرند و برهم-کنش‌های متعددی دارند. بنابراین، لازم است هر دو مسیر به طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند (تصاویر ۱ و ۲).



تصویر ۱: تجزیه‌ی فرهنگ در پاسخ به مشکل انتزاعی بودن بیش از حد (Rapoport, 2005, p. 93)

در دسترس است، پشتیبانی بین‌تئوری^۱ می‌تواند شکل حتی قوی‌تری از یکپارچگی را فراهم نماید (Rapoport, 2008c, p. 52).

راپاپورت می‌گوید با این‌که یافتن الگوها یک گام اساسی در فرآیند نظریه‌ی توصیفی است، برای بسط یک نظریه‌ی توصیفی در مطالعات رفتار-محیط و جستجو برای الگوها، تعمیم آن ضروری است که این امر نیازمند گستره‌ی متنوعی از مدارک و شواهد می-باشد که این مجموعه نیز به نوبه‌ی خود به گسترش مجموعه‌ی مدارک از چهار طریق نیاز دارد: در بر گرفتن همه‌ی انواع محیط‌ها، همه‌ی فرهنگ‌ها، کل محیط (نه فقط ساختمان‌ها)، و دامنه‌ی کامل تاریخ (Rapoport, 1990, pp. 11-19; Rapoport, 2006b, p. 181).

این امر به قابلیت تعمیم کمک می‌کند و «سیستم‌های مدل^۲» را ایجاد می‌نماید (Rapoport, 2000a, p. 146).

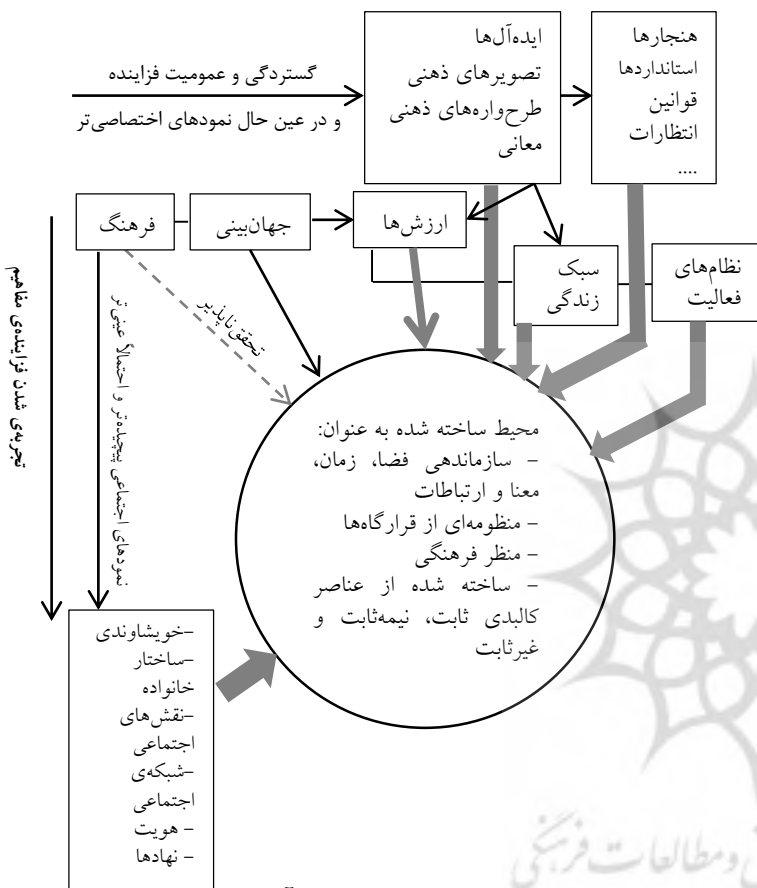
از دید راپاپورت، برای عملی کردن مطالعه‌ی مفاهیم گسترده و انتزاعی، تجزیه‌ی^۳ آن‌ها از طریق جداسازی متغیرها، مؤلفه‌ها و مطالعه‌ی نحوه‌ی ظهور و پیدایش آن‌ها و راه‌های ارتباطی‌شان (تجزیه و تحلیل)، و در نهایت ترکیب آن‌ها روشی کاربردی و مناسب است (Rapoport, 2006a, p. 160). از نظر وی، یکی از مفاهیمی که نیاز است عملیاتی گردد فرهنگ است؛ تقسیم‌بندی فرهنگ به بخش‌های کوچک‌تر، تعداد زیادی از حوزه‌ها به غیر از مطالعات رفتار-محیط را به هم متصل می‌سازد و استفاده از گستره‌ی وسیعی از وقایع از جمله رسانه‌های محبوب را ممکن می‌سازد (Rapoport, 2000a, p. 160). از دید راپاپورت، می-توان نه تنها در مطالعه و درک الگوهای تغییر فرهنگی، بلکه در درک فرهنگ به صورتی کلی‌تر، از تمایز هسته/پیرامون استفاده کرد. بدین مفهوم که فرهنگی که

^۲ Dismantling

^۱ intertheory

^۲ Model systems

یک نمودار (تصویر ۴) خلاصه نماید. در حقیقت، این نمودار که پیش‌تر نیز توسط وی مطرح شده بود، اختلاطی از یکی از موضوعات اصلی است که در دیدگاه راپاپورت در راستای کاربردی‌تر کردن فرهنگ می‌باشد (Heidari et al., 2014, p. 64).

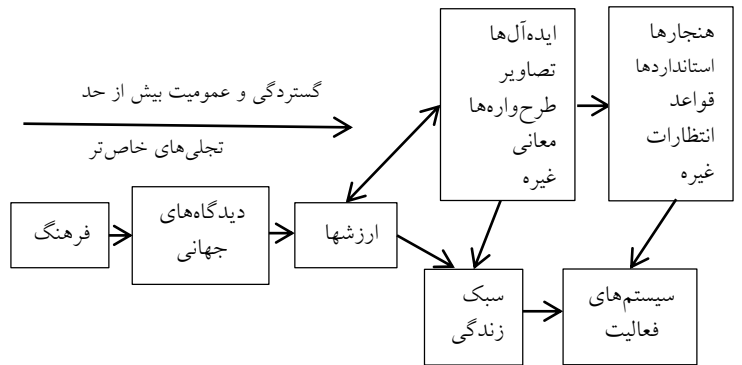


تصویر ۴: اجزای فرهنگ و ارتباط آن با محیط

(Rapoport, 2000, p. 149)

۳-۵- اصل دشواری^۱: راپاپورت به «اصل

دشواری» اشاره می‌کند. بحث این اصل این است که در میان حیواناتی که از نظر آمادگی جسمانی و بقا قدرتمند هستند، جلوه‌های جنسی کاربرد مهمی دارند (نمایش تناسب اندام برای نشان دادن این‌که آن‌ها استطاعت آن را دارند). راپاپورت (۲۰۰۸) از این بحث

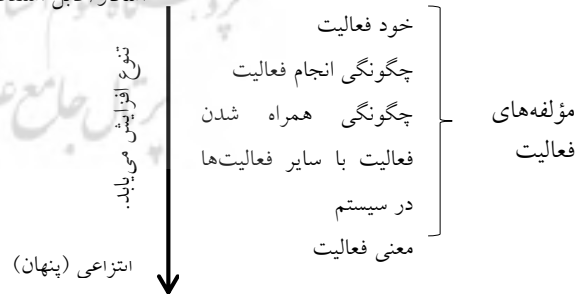


تصویر ۲: تجزیه‌ی فرهنگ در پاسخ به

گستردگی و عمومیت زیاد (Rapoport, 2005, p. 95)

هم‌چنین، سیستم‌های فعالیت به عنوان ملموس‌ترین و قابل مشاهده‌ترین متغیرهای فرهنگ معرفی شده‌اند. همان‌طور که در تصویر ۳ مشاهده می‌گردد، برای درک اثر سیستم‌های فعالیت‌ها بر محیط ساخته شده، می‌توان آن را به چهار مؤلفه تقسیم نمود: خود فعالیت، نحوه انجام فعالیت، نحوه ارتباط آن با سایر فعالیت‌ها جهت شکل‌دهی به سیستم‌هایی از فعالیت‌ها، و معنای فعالیت (Rapoport, 2003, p. 3).

آشکار/ قابل استفاده



تصویر ۳: تجزیه‌ی فعالیت‌ها

(Rapoport, 2005, p. 41)

راپاپورت تلاش کرد این تجزیه‌ی فرهنگ را در

^۱ Handicap principle

چون ما اخیراً کار زیادی در تحقیق انجام نداده‌ایم»
(1992, p. 94, ...).

از سوی دیگر، راپاپورت به عنوان یک پژوهشگر مطالعات شهری با تأکید بر نقش فرهنگ شناخته می‌شود. در این عرصه، با توجه به تأکید راپاپورت بر توجه به نشانه‌ها و رفتارهای فرهنگی الگو شده و به اشتراک گذاشته شده توسط مردم (به ویژه در کتاب شکل مسکن و فرهنگ) که ناشی از تأثیرپذیری وی از امیل دورکیم^۱ و لوی استراوس^۲ بود، برخی اذعان داشتند که او را می‌توان ساختارگرا دانست ولی با مطالعه کارهای راپاپورت می‌توان به رد این ادعا پرداخت. راپاپورت از جمله نظریه‌پردازان فرهنگ‌گراست که از رویکرد صرفاً هنری فاصله گرفته و به ست پارادایم‌های علمی حرکت نموده است. البته در این زمینه نقدی بر راپاپورت وارد شده و آن این‌که بیش از حد بر فرهنگ تأکید کرده به گونه‌ای که در کارهای وی احساس می‌شود فرهنگ تنها متغیر است و در مورد بقیه متغیرها بحث نمی‌شود. راپاپورت در پاسخ به این انتقاد می‌گوید «فقط نقش را به فرهنگ دادن به همان میزان بعید است که این دیدگاه وجود داشته باشد که فرهنگ می‌تواند نادیده گرفته شود. اهمیت فرهنگ باید بین این دو حالت افراطی قرار گیرد». البته طبیعتاً افکار و خط مشی راپاپورت در زمینه‌های مختلف متأثر از برخی پژوهش‌گران دیگر می‌باشد. در جدول ۱ تلاش شده که به تأثیرپذیری راپاپورت از افراد مختلف اشاراتی گردد.

جدول ۱: نحوه تأثیرپذیری راپاپورت از

نظریه‌پردازان مختلف

نظریه- پرداز/ سال	زمینه اثرگذاری	نحوه اثرگذاری	توضیحات

در توسعه‌ی نظریه‌ی مطالعات رفتار- محیط استفاده کرد؛ زیرا وی معتقد است این بحث به تجزیه و جداسازی اصول عام و خاص فرهنگ یاری می‌رساند. اصل دشواری در کاربردش برای محیط‌های ساخته‌شده پیشنهاد می‌کند که محیط‌ها می‌توانند به عنوان شکلی از «تبلیغات» شوند و توضیح می‌دهد که چرا محیط‌های خاصی با هزینه و تلاش‌های بسیار ایجاد می‌شوند. در بحث درباره اصل دشواری، راپاپورت غالباً به نقش معنا اشاره کرده است و بیان می‌کند که این طبیعت مشخصاً فرهنگی بسترهاست که منجر به رفتار مناسب می‌شود و همکاری را ممکن می‌سازد. راپاپورت می‌گوید در همهی نمونه‌های مورد بررسی از سوی من، معنی عمومی از نظر اصل دشواری واضح است ولی معانی خاص بسیار پیچیده‌تر هستند. وی برای مثال به بزرگ‌ترین مسجد چچن اشاره می‌کند که مناره‌ای با ارتفاع ۶۰ متر دارد. راپاپورت می‌گوید چنین تنها مسجدی از ایمان صحبت نمی‌کند بلکه از قدرت صحبت می‌کند. یا وی به صرف هزینه‌های زیاد برای رقابت در ساخت بلندترین برج جهان، آسمان‌خراش‌های شیشه‌ای، بزرگراه‌ها و نظایر آن اشاره می‌نماید (Quoted in Rapoport, 2008a, pp. 26-30).

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

آموس راپاپورت معماری است که بر سر نیاز به الگوی منظمی از معماری برای توسعه‌ی دانشی قابل سنجش بحث می‌نماید. در این راستا، فراخوانی برای حرکتی قابل توجه از پارادایم هنری که حرفه و تحصیلاتش بر پایه آن هستند به سوی پارادایمی بر مبنای علم و پژوهش اعلام می‌کند. راپاپورت خود را کاملاً «ضد معماری» می‌داند و می‌گوید «پژوهش هرگز استفاده نخواهد شد مگر آن‌که معماران از هر نظر کاملاً تغییر کنند و معماری به یک حرفه‌ی کاملاً متفاوت تبدیل شود. البته من پژوهش‌گرها را هم مقصر می‌دانم

^۲ Levi Strauss

^۱ Emile Durkheim

امیل دورکیم/ ۱۹۷۴	نقش معماری بومی در جامعه	معماری فقط محصول نمایشی بر مبنای اشکال اجتماعی نیست بلکه مدلی برای بازتولید این اشکال اجتماعی نیز هست.	-
سوزان کنت ^۶ / ۹۸۴	باستان- شناسی	تحلیل بین فرهنگی استفاده از فضای بومی؛ نقش چندوجهی و حیاتی فرهنگ در شکل‌دهی به محیط ساخته شده؛ اهمیت برقراری ارتباط بین رشته‌های مختلف.	راپاپورت مطالعات رفتار- محیط را برای باستان- شناسی نیز به کار گرفت.

(Hall, 1966; Buchi, 2013; Jamieson, 2006; Rapoport, 2006a; Jabareen, 2005; Rapoport, 2000b; Rapoport, 1980; Mumford, 1970; Memmott, 2013; Fani, et al; 2018)

جمع‌بندی نهایی این که با مطالعه‌ی آثار راپاپورت، به طور کلی می‌توان کارهای او را در پنج دوره دسته‌بندی نمود:

دوره اول: نگاه کردن به همه‌ی انواع محیط‌ها
آغاز کار راپاپورت در این دوره با کتاب «شکل مسکن و فرهنگ» در سال ۱۹۶۹ بود که در آن می‌گوید ما نمی‌توانیم فقط به آن چه معماران انجام می‌دهند نگاه کنیم بلکه باید به همه چیز (برای مثال طراحی بومی عام، سکونتگاه‌های خودرو) نگاه کنیم. بعدها راپاپورت این اعتقاد خود را در پژوهش مطالعات رفتار-محیط نیز وارد کرد.

دوره دوم: نگاه کردن به همه‌ی محیط
طرح لزوم نگاه به کل محیط و نه فقط ساختمان‌ها بلکه به آن چه که جغرافیدانان منظر فرهنگی می‌نامند و به عنوان سیستمی از بسترها مفهوم‌سازی شده است. به

لوئیس هنری مورگان ^۱ / ۱۸۸۱	معماری بومی مردمی	شبه مورگان: بررسی همه‌ی انواع نظم‌های همسان؛ توجه به گرایشات گونه‌شناسانه؛ ارجاع به ترسیمات در دست‌نوشته‌ها.	راپاپورت از شیوه- ی مورگان بهره گرفت.
پاول فرانکل ^۲ / ۱۹۱۴	تاریخ‌نویسی	ترکیب تاریخ معماری و تاریخ فرهنگی	نگاه راپاپورت به تاریخ نیز از دید فرهنگی بود.
لوی استراوس ۱۹۶۳/ ^۳	تحلیل فعالیت	تجزیه فعالیت به چهار مؤلفه: مطبوعیت، روش انجام، فعالیت- های وابسته، و معنای فعالیت	-
ساندرا کوهن ^۴ / ۱۹۶۵	عینیت علم	تنها ارجاع به موضوع مهم عینیت علم توسط کوهن صورت گرفته است.	-
ادوارد هال ^۵ / ۱۹۶۷	ویژگی‌های فضا	فضا ترکیبی است از عناصر ثابت، نیمه- ثابت، و غیرثابت	راپاپورت در این زمینه با هال موافق است.
استفان کاره ۱۹۶۶/ ^۶	محیط ذهنی	تعریف «شهر خرد (ذهن)» «محیط در سر ما نیست»	راپاپورت معتقد است محیط ذهنی بر رفتار تأثیر می‌گذارد. این محیط به محیطی در بیرون مربوط می‌باشد و با تغییر شکل آن، محیط عینی تغییر شکل می- یابد.
لوئیس مامفورد ^۷ / ۱۹۷۰/ ^۸	فرهنگ و کالبد	رابطه علی بین فرهنگ و شکل فیزیکی مسکن وجود دارد. بررسی شهر در فرآیند تاریخی	-

^۶ City of mind

^۷ Joachim Wohlwill

^۸ Lewis Mumford

^۹ Susan Kent

^۱ Lewis Henry Morgan

^۲ Paul Frankl

^۳ Sandra Cohen

^۴ Edward Hall

^۵ Stephan Carr

تاریخ به کار گرفت و شیوه‌ای جدید برای نگاه به تاریخ پیشنهاد کرد که برای پژوهش رفتار-محیط کاربردی است. وی معتقد است باید همه‌ی مدارک از گذشته تا به امروز را مورد نظر قرار داد. کتاب «تاریخ و پیشینه در طراحی محیطی» او محصول این دوره است.

دوره پنجم: توسعه‌ی یک نظریه علمی

راپاپورت در این دوره به تحلیل همه‌ی انواع مدارک می‌پردازد تا بتواند توسعه‌ی یک نظریه را آغاز کند. وی به دنبال یک نظریه‌ی توصیفی است، یک نظریه‌ی علمی. بنابراین، آن‌چه که تا به این‌جا در دوره‌های قبل انجام داده را مجموعه‌ای از گام‌های مقدماتی برای این دوره می‌داند. دو کتاب «نظریه در طراحی محیطی» در سال ۱۹۹۷ و «فرهنگ، معماری، و طراحی» در سال ۲۰۰۳ محصول این دوره هستند.

عبارت دیگر، محیط ساخته‌شده شامل دشت‌ها و جنگل‌ها و نوارهای حاشیه‌ی راه‌ها و مسکن حومه شهرها و مردم و همه چیز. کتاب «معنی محیط ساخته شده» راپاپورت در این دوره تدوین شده است.

دوره سوم: دیدگاه جهانی در نگاه به همه‌ی محیط‌ها راپاپورت می‌گوید در حالی که دیدگاه جهانی را تطبیق می‌دهیم به همه‌ی محیط‌ها نگاه کنیم. از این رو، انجام پژوهش‌های بین‌فرهنگی ضرورت یافت و راپاپورت سال‌های زیادی را به کارکردن بر روی مسائل بین-فرهنگی گذراند. نتیجه‌ی پژوهش‌های وی در این دوره، تألیف کتاب «مطالعات بین فرهنگی و شکل شهر» می‌باشد.

دوره چهارم: توجه به همه‌ی شواهد و مدارک لزوم توجه به تاریخ در مدارکی که استفاده می‌کنیم. راپاپورت نسبت به سایرین رویکردی بسیار متفاوت برای

7- References

Persian References


- ≠ Banihashemi, Mohammad Ali. (2018). *Evaluation of Infill Development in Urban Neighborhoods Using Contextual Approach to Increasing Interactions of Residents (Case Study: Danesh Alley, Tabriz City)*, Urban Planning Knowledge, Volume 2, Number 2, Page(s) 79-93. (in Persian)
- ≠ Rapaport, Amos. (2006A). *Homogeneity or heterogeneity in urban neighborhoods*. Translation: Ismaili, Sh. Presented on the site Anthropology and Culture. Date 28 August 2009. (in Persian)
- ≠ Rapaport, Amos. (2006B). *History of urban form: before the industrial revolutions*, Iran Science & Technology university, Page(s) 409-445. (in Persian)
- ≠ Rapaport, Amos. (2013); *The meaning of the built environment : a nonverbal communication approach (Third edition)*, Translation: Habib. Farah, Publications of Tehran Municipality Information and Communication Technology Organization. (in Persian)
- ≠ Talebi, Jaleh. (2004). Social relations in urban spaces. *Social Science Quarterly*, Volume 24, Page(s) 161-180. (in Persian)
- ≠ Fani. Zohreh, Mahmoudi. Loghman. (2018). Urban space production; In Lefebvre's trilogy and the paradigm of Mamford's citizenship. *Growth of Geography Education*, Volume 120, Page(s) 36-42. (in Persian)


Latin References

- ≠ Buchi, Victor. (2013). *An anthropology of architecture*. Taylor and Francis. Books.google.com.
- ≠ Heidari, Ali Akbar, Mohammad Hoseini, Parisa, and Behdadfar, Nazgol. (2014). Reading a home: an application of Rapoport's viewpoint in Iranian architecture studies. *International journal of Architecture and Urban Development*, 14(1), 63-76.
- ≠ Hall, Edward T. (1966). *The hidden dimension*. Doubleday: Garden City.
- ≠ Hsia, Chu-Joe. (1988). An epistemological critique of environment-behavior studies. *Arch.&Comport./ Arch.Behav.*, 4(4), 295-313.
- ≠ Jabareen, Yosef. (2005). Culture and housing preferences in a developing city. *Environment and Behavior*, 37(1), 134-146.

- ≠ Jamieson, Ross. W. (2006). Domestic architecture and power: the historical archaeology of Colonial Ecuador. Springer Science & Business Media.
- ≠ Kamrani, Avidéh, Behzadfar, Mostafa. (2016). Place semantics based on Lynch, Rapoport and semiotics viewpoints. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 5(3), 82-90.
- ≠ Memmott, Paul. (2013). Integrating transactional people- environment studies into architectural anthropology, a case of useful theory building. In *proceeding of the society of the architectural historians, Australia and New Zealand, Vol.2*, 905-917.
- ≠ Mumford, Lewis. (1970). *The culture of cities*. California: Harcourt Brace.
- ≠ Rapoport, Amos. (1969). *A project for volunteers in Asia, house form and culture*. London: Prentice- Hall.
- ≠ Rapoport, Amos. (1977). *Human Aspects of Urban Form*. Oxford: Pergamon Press.
- ≠ Rapoport, Amos. (1980). Cross-cultural aspects of environmental design. In: *Human behavior and environment; advances in theory and research, volume 4: Environment and culture, chapter 1*: pp.7-46. New York: Springer Science, Business Media.
- ≠ Rapoport, Amos. (1982). Urban design and human systems: on ways of relating building to urban fabric. *Human and Energy Factors in Urban Planning: a Systems Approach. Series D: Behavioural and Social Sciences - No. 12. Proceedings of the NATO Advanced Study Institute*.
- ≠ Rapoport, Amos. (1983). Development, culture change and supportive design. *HABITATINTL*, 7(5/6), 249-268.
- ≠ Rapoport, Amos. (1987). On the cultural responsiveness of architecture. *Journal of Architectural Education*. 41(1), 10-15
- ≠ Rapoport, Amos. (1990). *History and precedent in environmental design*. Plenum Press.
- ≠ Rapoport, Amos. (1992). On cultural landscapes. *Traditional Swellings and Settlements Review*, 3(2),33-47.
- ≠ Rapoport, Amos. (1993): «On Cultural Landscapes», *Traditional Dwellings and Settlements Review*, 3(2),33-47.
- ≠ Rapoport, Amos. (1997). Theory in Environment-Behavior Studies, transcending times, setting, and groups. *Handbook of Japan-United States Environment-Behavior Research, toward a transactional approach. Chapter 28*, 255-286.
- ≠ Rapoport, Amos. (1999). A framework for studying vernacular design. *Journal of Architecture and Planning Research*, 16(1), 52-64.
- ≠ Rapoport, Amos. (2000a). Theory, culture and housing. *Housing, Theory and Society*, 17(4), 145-165.
- ≠ Rapoport, Amos. (2000b). Science, explanatory theory, and environment-behavior studies. In: *The critical perspectives in environment-behavior research,chapter 10*. Springer, Boston, MA.
- ≠ Rapoport, Amos. (2002). The role of neighborhoods in the success of cities. *Ekistics*, 69 (412/413/414), 145-151.
- ≠ Rapoport, Amos. (2003). *Culture, Architecture, and Design*. London: Locke Science.
- ≠ Rapoport, Amos. (2005). *Culture, Architecture, and Design*. Chicago: Locke Science Publishing Company.
- ≠ Rapoport, Amos. (2006a). Archeology and Environment-Behavior Studies. *Archeology papers of the American Anthropological Association, Vol.16*, pp.59-70.
- ≠ Rapoport, Amos. (2006b). Vernacular design as a model system. In: *Vernacular architecture in the 21th century; theory, education and practice, chapter 10*: pp.17-198. Taylor & Francis.
- ≠ Rapoport, Amos. (2008a). Some further thoughts on culture and environment. *Archnet-IJAR*, 2(1), 16-39.
- ≠ Rapoport, Amos. (2008b). Environment-Behavior Studies: past, present and future. *Journal of Architectural and planning research*, 25(4), 276-281.
- ≠ Rapoport, Amos. (2008c). Mind, land and society relationships in an environment-behavior perspectives. *Arquitectonics, Mind, Land & Society*, 33-61.
- ≠ Rapoport, Amos. (2010). Designing for people; some implications. *TRIALOG106, a journal of*

- planning and building in the third world, 4-45.
- ≠ Rasoulpour, Hajir, Etesam, Iraj. Tahmasebi, Arsalan. (2020). Investigating the effect of the form of street facads on human behavior patterns, Iranian urbanism Journal, 3(4): 1-15.
 - ≠ Salama, Ashraf M. (2012). Knowledge and design: People-Environment Research for responsive pedagogy and practice. Elsevier, Procedia-Social and Behavioral Sciences, 49, 8-27.
 - ≠ Taylor, Cynthia L. (1983). Review of: The meaning of the built environment by Amos Rapoport. Housing and Society, 10(2), 95-97.
 - ≠ (1992). Interview with Amos Rapoport. Arc.&Comport./Arch.&Behav., 8(1), 93-102.


CC BY


مجله علمی شهرسازی ایران

نحوه ارجاع به این مقاله:

پرتوی، پروین. صداقت رستمی، کبریا. (۱۴۰۰). سیر تکوینی اندیشه امس راپاپورت در حوزه فرهنگ و مطالعات رفتار-محیط، شهرسازی ایران، ۴ (۶)، ۲۹-۴۱.

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Iranian Urbanism Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

URL: <https://www.shahrsaziiran.com/1400-4-6-article3/>
DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27170918.1400.4.6.3.0>